

نحوه تقسیم مسئولیت بین عاملان زیان در فقه اسلامی و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

محمود کاظمی^۱، علی قسمتی تبریزی^۲

چکیده

در فرضی که چند عامل مشترکاً در وقوع یک حادثه دخالت دارند و زیان حاصله مستند به تمام آن‌هاست، برای تقسیم مسئولیت بین عاملان زیان، در نظام‌های حقوقی دنیا معیارهای مختلفی مطرح شده و سرانجام این امر به اختیار دادگاه نهاده شده تا با لحاظ تمام عوامل، سهم هر یک را به طور منصفانه معین کند، اما در حقوق اسلام بر مبنای ادله نقلی و عقلی، نظریه تساوی مسئولیت پذیرفته شده است. با تصویب قانون دیات این نظر وارد حقوق موضوعه ایران شد، اما رویه قضایی تحت تأثیر دکترین و با این توجیه که تساوی مسئولیت مبتنی بر فرض برابری تأثیر هر یک از عاملان زیان است، با ارجاع امر به کارشناس، به زعم خود سهم هر یک از عاملان را بر مبنای میزان تأثیر او در ایجاد زیان معین می‌کرد. با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، این رویه محاکم در برخی از صور اجتماع اسباب (مواد ۵۲۶ و ۵۲۷) در شمایل قانون درآمد؛ در حالی که در فروع دیگر (مواد ۴۵۳، ۵۲۸ و ۵۳۳) همچنان از نظریه تساوی مسئولیت پیروی شده است. اتخاذ معیارهای مختلف از سوی قانون‌گذار که تشتت آراء را در پی دارد، توجیه منطقی ندارد و شایسته یک نظام حقوقی منسجم نیست؛ افزون بر این، عدول از نظریه تساوی مسئولیت در برخی فروع، خلاف موازین شرع به نظر می‌رسد. در این مقاله ضمن تبیین مبانی عقلی و نقلی نظریه تساوی مسئولیت در فقه اسلامی، از نتایج آن در تفسیر مواد قانون مجازات اسلامی و تعیین موضع قانون‌گذار در موضوع حاضر استفاده می‌شود.

واژگان کلیدی: اجتماع اسباب، اشتراک در زیان، سبب و مباشر، قارصه، تساوی

مسئولیت.

۱. گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
makazemy@ut.ac.ir

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه سمنان

Ali_ghesmati@semnan.ac.ir

درآمد

در فرضی که به ظاهر چند عامل در وقوع یک حادثه زیان‌بار دخالت دارند، رابطه سببیت به عنوان یکی از ارکان مسئولیت مدنی از دو جنبه قابل بررسی است و دادگاه باید در دو مرحله موضوع را تجزیه و تحلیل کند: نخست، تعیین سبب اصلی حادثه و تشخیص این امر که زیان حاصله مستند به کدام یک از عوامل ظاهری است؛ به عبارت دیگر، تمیز «سبب» از اموری که «شرط» وقوع زیان است. روشن است که منظور از «سببیت» در مسئولیت مدنی، علت واقعی و فلسفی زیان نیست، بلکه ملاک، استناد عرفی است. در این مرحله برای تمیز رابطه سببیت، در قوانین موضوعه، رویه قضایی و دکترین معیارهایی از قبیل نظریه برابری اسباب و شرایط و سبب متعارف ارائه شده است و توصیف دادگاه از سببیت در این مرحله را می‌توان «سببیت کیفی»^۱ نامید.

در این مرحله، بررسی دادگاه ممکن است به دو نتیجه مختلف منتهی شود؛ گاه ثابت می‌شود که تنها یکی از عوامل ظاهری سبب حادثه بوده و سایر عوامل شرط وقوع آن بوده‌اند؛ در این صورت او مسئول جبران تمام خسارت خواهد بود، اما ممکن است دادگاه به این نتیجه برسد که چند عامل مشترکاً در وقوع زیان دخالت داشته‌اند؛ به گونه‌ای که زیان حاصله عرفاً متناسب به تمام آن‌ها است و به اصطلاح «اشتراک در زیان» یا «اجتماع یا تداخل اسباب» محقق شده است. در این فرض، مرحله دیگری از تجزیه و تحلیل قضایی شروع می‌شود که حاصل آن، تقسیم مسئولیت بین عاملان زیان است؛ به این معنا که دادگاه باید معین کند هر یک از اسباب زیان به چه میزان ضامن زیان حاصله بوده و سهم آن‌ها از جبران خسارت چقدر است. این موضوع نیز از مباحث مربوط به «سببیت» است و باید آن را «سببیت کمی»^۲ نامید (Ambrunaz-Quézel: 2010, 647).

عدم تمیز بین دو مرحله پیش‌گفته گاه موجب اختلاط مباحث می‌شود. به عنوان مثال، بحث مسئولیت تضامنی عاملان متعدد زیان از فروع بحث کیفی سببیت است، نه کمی؛ حتی اگر ما معتقد به مسئولیت تضامنی عاملان زیان باشیم، باز

1. Qualitative.
2. Quantitative.

هم از تقسیم مسئولیت و تعیین معیاری برای آن بی‌نیاز نیستیم؛ زیرا بعد از جبران تمام خسارت توسط یکی از مسئولان تضامنی، برای رجوع او به سایر مسئولان، ناچار از تقسیم مسئولیت و تعیین سهم هر یک هستیم. بر این اساس، نباید «مسئولیت تضامنی» را قسیم «تقسیم مسئولیت» یا «تساوی مسولیت» دانست.

تداخل اسباب در وقوع زیان در دو فرض کلی قابل تصور است: گاه زیان‌دیده شخص ثالث است؛ مثل این‌که دو خودرو تصادف کنند و به شخصی که در حال عبور از خیابان است، زیان برسد؛ ممکن است زیان‌دیده در کنار عامل یا عاملان دیگر در وقوع زیان به خود دخالت داشته باشد؛ مثلاً در اثر تصادف دو خودرو به راننده یکی از آن‌ها زیان برسد. در حال حاضر حکم هر دو فرض در نظام‌های حقوقی دنیا یکسان است (Rogers, 2002: 61; Jourdain, 2010: 31). در حقوق فرانسه این موضوع در هر دو فرض در کتاب‌های حقوقی بررسی می‌شود. در نظام کامن‌لا، در گذشته در فرضی که زیان‌دیده در وقوع زیان به خود دخالت داشت، به‌طور کامل از دریافت خسارت محروم می‌شد و تقسیم مسئولیت منحصر به موردی بود که چند عامل به شخص ثالث زیان می‌رسانند، اما بعدها که پذیرفته شد تقصیر زیان‌دیده نباید موجب معافیت عامل زیان از مسئولیت شده و زیان‌دیده را به‌طور کامل از دریافت خسارت محروم کند، موضوع تقسیم مسئولیت مطرح شد. اگرچه سابقه تقسیم مسئولیت در مورد اول بیشتر است، نظریه‌پردازی و طرح راه‌حل‌های مختلف در حقوق غرب بیشتر در فرض دوم مطرح شده است (Dobbs, 2002: 1080-1081).

در فقه اسلامی و قانون مجازات اسلامی نیز تداخل اسباب در دو فرض فوق مطرح شده و از جهت حکم، تفاوتی بین آن‌ها وجود ندارد،^۱ اما تقسیم‌بندی دیگری از تداخل اسباب وجود دارد که عبارت از «مباشرت» و «تسبیب» است؛^۲ به این معنا

۱. مطالعه متون فقهی و فروع مختلفی که در باب تداخل اسباب ثابت می‌کند که از نظرگاه فقهی بین فرضی که چند عامل در ائتلاف مال یا جان دیگری دخالت دارند با موردی که زیان‌دیده نیز یکی از عوامل ائتلاف است، تفاوتی وجود ندارد (طوسی، ۵/۱۴۰۷: ۲۷۲-۲۷۳). عبارت خوبی در کتاب مبانی تکمله المنهاج که در اکثر کتب فقهی شبیه آن وجود دارد، در این زمینه بسیار گویاست. وی بعد از بیان لزوم تقسیم مسئولیت به تساوی، در مقام عدم فرق بین دو فرض فوق می‌نویسد: «و الوجه فی ذلک واضح و هو أنّ الدیة فی أمثال الموارد أی موارد الاشرک فی القتل تنقسم علی فعل کل واحد منهم. و علیه، فبطبیعه الحال یسقط منها بالمقدار المستند إلی فعل المقتول فیبقى الباقی علی ذمه الباقین» (خوبی، ۴۲/۱۴۲۲: ۳۰۱).

۲. برای مطالعه راجع به مفهوم «مباشرت» و «تسبیب»، بنگرید به: مراغی، ۲/۱۴۱۸: ۴۳۴ به بعد.

که چون اتلاف ممکن است به نحو «مباشرت» یا «تسبیب» باشد، تداخل اسباب هم ممکن است در فروض مختلف، به نحو «مباشرت»، «تسبیب» یا مخلوطی از آن‌ها باشد. از نظرگاه فقه اسلامی، بین این فروض تفاوتی وجود نداشته و معیار واحدی برای تقسیم مسئولیت مقرر شده است.

آنچه مسلم است، هرگاه ثابت شود که زیان ایجاد شده منتسب به عامل یا عاملان زیان و اقدام زیان‌دیده است، به میزان سهم او از مقدار غرامتی که باید به وی پرداخته شود، کاسته می‌شود. همچنین هرگاه چند عامل در وقوع زیان به دیگری دخالت داشته باشند، در نهایت باید ضمان بین آن‌ها تقسیم شود، اما سؤال بنیادین آن است که سهم هر یک از اسباب دخیل در وقوع زیان چگونه معین می‌شود؛ آیا آن‌ها به تساوی مسئولند و سهم هر یک برابر است یا متفاوت؛ و در صورت دوم، سهم هر یک با چه معیاری معین می‌شود؛ آیا دادگاه آزاد است تا به هر میزان که عادلانه و منصفانه می‌داند، سهم هر یک را معین کند و این ارزیابی دادگاه جنبه ماهوی دارد، قابل کنترل از سوی دیوان عالی کشور نیست؛ یا مکلف است از مبنا و معیار خاصی پیروی کند؛ در این صورت آن معیار چیست؟

در نظام‌های حقوقی غربی (کامن‌لا و رومی‌ژرمنی) در این زمینه راه حل‌های مختلفی در طی سالیان متمادی ارائه شده و رویه قضایی آن‌ها تحولات چشم‌گیری داشته است؛ برخی از نظریه تساوی مسئولیت پیروی کرده و برخی تقسیم مسئولیت بر مبنای درجه تقصیر را ترجیح داده و برخی دیگر تقسیم مسئولیت بر مبنای میزان تأثیر هر کدام در وقوع زیان را مطرح کرده‌اند؛ و سرانجام این امر به اختیار قاضی نهاده شده تا به هر میزان که عادلانه و منصفانه دانست، سهم هر یک از عاملان زیان را معین کند. نگارنده در مقاله‌ای مستقل این موضوع را در نظام‌های حقوقی پیشرفته غرب بررسی کرده است (کاظمی، ۱۳۹۳: ۶۹ به بعد). مطالعه در نظام‌های حقوقی ثابت می‌کند که به رغم طرح نظریه‌های مختلف، در نهایت به تجربه دریافته‌اند که هیچ یک از معیارهای مطرح شده، کارا و جامع نبوده و نمی‌توان یک راه حل کلی برای تمام موارد ارائه کرد، بلکه باید به اختیار قاضی گذاشت تا با بررسی تمام شرایط و اوضاع و احوال، آنچه را که عادلانه و منصفانه می‌داند، حکم کند و مسئولیت جبران خسارت را بین عاملان زیان تقسیم کند (کاظمی، ۱۳۹۳: ۷۹). در این مقاله این موضوع از نظرگاه فقه اسلامی

و قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ بررسی می‌شود.

بیان شد که در فقه اسلامی، اجماع فقیهان بر تقسیم مسئولیت به تساوی بین عاملان زیان است. با طرح نظریه تساوی مسئولیت در قانون دیات و سپس قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ (مواد ۳۳۴، ۳۳۸ و ۳۶۵)، دکترین حقوقی آن را به باد انتقاد گرفت و تقسیم مسئولیت بر مبنای میزان تأثیر هر یک از عاملان زیان را منطقی و عادلانه تر دانست (کاتوزیان، ۱/۱۳۷۳: ۴۱۷؛ صفایی، ۱۳۹۵: ۳۳۵). رویه قضایی هم در این زمینه متشدد بود؛ در حالی که محاکم بدوی بی‌اعتنا به نص قانون مجازات اسلامی، میزان تأثیر هر یک از عاملان زیان را بر مبنای نظر کارشناسی معین کرده و بر آن اساس حکم به تقسیم مسئولیت می‌کردند، دیوان عالی کشور تحت تأثیر نظر قاطع فقیهان اسلامی بر نظریه تساوی مسئولیت اصرار و تأکید داشت. با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ و تحت تأثیر جو سنگین دکترین، نظریه «تقسیم مسئولیت بر مبنای میزان تأثیر هر یک از اسباب» در قالب مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ از سوی قانون‌گذار پذیرفته شد؛ به‌رغم آن در مواد دیگر، در مورد تصادم دو یا چند خودرو یا وسیله نقلیه (ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی)، دخالت چند عامل در وقوع زیان به نحو تسبیب (ماده ۵۳۳ همان قانون) و نیز در مورد دخالت چند عامل در وقوع جنایت به طور کلی (ماده ۴۵۳ قانون مجازات اسلامی)، تحت تأثیر متون فقهی، نظریه «تساوی مسئولیت» مطرح شده است.

در این مقاله، مبانی این نظریه در فقه اسلامی تبیین می‌شود. اگر بپذیریم که نظریه تساوی مسئولیت مورد اجماع فقیهان است، بی‌تردید دارای مبانی نقلی و عقلی بوده و مصالحی انکارناپذیر در طرح آن وجود داشته که توجیحات و استحسان‌های ارائه شده از سوی برخی نویسندگان حقوقی که نوعاً تحت تأثیر نظریه‌های مطرح در حقوق غرب بیان شده، نمی‌تواند آن را تضعیف کند. در این راستا، ابتدا نحوه تقسیم مسئولیت در فقه اسلامی را مورد نظر قرار داده و سپس معیار تقسیم مسئولیت در حقوق موضوعه ایران و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را به بحث می‌گذاریم.

۱. نحوه تقسیم مسئولیت در فقه اسلامی

۱-۱. صور مختلف اشتراک چند عامل در وقوع زیان

در فقه اسلامی از همان ابتدای تاریخ فقه موضوع تقسیم مسئولیت بین عاملان زیان مطرح بوده (مفید، ۱۴۱۳: ۷۴۵؛ سید مرتضی، ۱۴۱۷: ۳۹۳؛ طوسی، ۱۳۸۷/۷: ۱۶۱ به بعد؛ ابن براج، ۲/۱۴۰۶: ۴۸۸ - ۴۸۹؛ ابن ادریس حلی، ۳/۱۴۱۰: ۳۹۹ به بعد) و متأخران هم به آن توجه داشته‌اند. فقیهان اسلامی در فرضی که چند عامل در وقوع زیان دخالت دارند، بعد از نظریه‌پردازی در خصوص چگونگی تعیین سبب زیان و تمیز آن از شرط و احراز این امر که زیان حاصله منتسب به چند عامل بوده و به اصطلاح «اشتراک در زیان» محقق شده است، بحث نحوه تقسیم مسئولیت را مطرح کرده و با قاطعیت حکم به تساوی ضمان بین عاملان کرده‌اند (عاملی، بی تا/۱۰: ۳۳۳؛ نجفی، ۴۳/۱۴۰۴: ۶۱ به بعد). بر مبنای نحوه دخالت چند عامل در وقوع زیان، اشتراک در زیان به چند صورت ممکن است محقق شود.

۱-۱-۱. اجتماع چند عامل به نحو مباشرت

ممکن است دو یا چند عامل به نحوه مباشرت مالی را تلف کنند یا صدمه جسمانی به کسی بزنند یا او را به قتل برسانند. در فقه چند فرع معروف در این زمینه وجود دارد. نخستین فرع، تصادم دو شخص یا دو سوار^۱ با یکدیگر است که در اثر آن به یک یا هر دوی آن‌ها زیان برسد. همچنین ممکن است در اثر تصادم، شخص ثالثی که در وقوع حادثه دخالت نداشته، زیان ببیند. آن چه اهمیت دارد آن است که زیان حاصله عرفاً مستند به دو یا چند عامل باشد که هر دو به نحوه مباشرت در وقوع آن حادثه دخیل بوده‌اند. این فرع یکی از مشهورترین فروع فقهی است که در متون کلاسیک فقهی (امامیه و اهل سنت) و معاصر ذکر شده و بسیاری از نظریه‌پردازی‌های فقیهان در قالب آن مطرح شده است. در این فرع، فقیهان به اتفاق هر یک از عاملان تصادم را ضامن نیمی از خسارت وارد بر دیگری دانسته و نیم دیگر از زیان حاصله را به دلیل انتساب آن به خود زیان‌دیده، غیر قابل جبران دانسته‌اند؛ به عبارت دیگر، خسارت حاصله را به تساوی بین عاملان زیان تقسیم کرده‌اند.^۲ نکته قابل ذکر در این فرع آن

۱. در کتاب‌های فقهی معاصر مثال تصادم دو اتومبیل هم ذکر شده است (لنکرانی، ۱۴۱۸: ۷۲).
 ۲. تصادم دو سوار یا دو شخص، یک فرع مشهور است که در تمام کتب فقهی متقدمان و متأخران امامیه و اهل سنت مطرح شده است؛ به عنوان نمونه، در فقه امامیه از متقدمان کتاب المبسوط را

است که فقیهان بین فرضی که دو شخص بی واسطه (پیاده) با هم برخورد می‌کنند با فرضی که سوار بر دو وسیله نقلیه اعم از مرکب (اسب یا قاطر) یا کشتی هستند، تفاوتی قائل نشده‌اند (شهید ثانی، بی تا/۲: ۳۹۴).^۱

فرع دیگری که در باب اشتراک در جنایت به نحو مباشرت، موردی است که چند نفر با منجنیق سنگی پرتاب می‌کنند و در اثر برگشت سنگ، یک یا چند نفر از آنان مصدوم یا کشته می‌شود؛ در این مورد نیز فقیهان حکم به تساوی مسئولیت داده و هر یک از آن‌ها از جمله خود قربانی را به طور مساوی ضامن زیان و جنایت حاصله دانسته‌اند (طوسی، ۷/۱۳۸۷: ۱۶۵؛ ابن براج، ۲/۱۴۰۶: ۴۹۱؛ شهید ثانی، ۱۵/۱۴۱۳: ۳۶۴-۳۶۵؛ عاملی، بی تا/۱۰: ۳۴۰-۳۴۱؛ نجفی، ۴۳/۱۴۰۴: ۱۰۷-۱۰۸؛ مدنی، ۱۴۰۸: ۹۹-۱۰۰؛ تبریزی، ۱۴۲۸: ۸۹-۹۰؛ ابن قیم، بی تا/۳: ۲۵۷؛ ابن حزم، بی تا/۱: ۱۵۷-۱۵۸).

فرع سوم قضیه تخریب دیوار است؛ بدین شرح که در حادثه‌ای چند نفر مشترکاً دیواری را تخریب می‌کنند و در اثر فرو ریختن آوار، به یک یا چند نفر از آن‌ها زیان می‌رسد. در این فرض نیز فقیهان هر یک از اشخاص دخیل در حادثه را به طور مساوی، ضامن زیان و جنایت حاصله دانسته‌اند (ابن ادریس حلی، ۳/۱۴۱۰: ۳۷۷؛ یوسفی آبی، ۲/۱۴۱۷: ۶۴۱؛ سیوری، ۴/۱۴۰۴: ۴۷۵؛ شهید ثانی، ۱۵/۱۴۱۳: ۳۶۵؛ مقدس اردبیلی، ۱۴/۱۴۰۳: ۲۵۹؛ طباطبایی، ۱۶/۱۴۱۸: ۳۹۱؛ نجفی، ۴۳/۱۴۰۴: ۱۱۰).

می‌توان نام برد (شیخ طوسی، ۷/۱۳۷۸: ۱۶۱). از متأخران کتاب شرایع در قرن هفتم و شرح آن جواهرالکلام است (نجفی، ۴۳/۱۴۰۴: ۶۳). همچنین از معاصران می‌توان به کتاب تحریر الوسيله استناد کرد (موسوی خمینی، بی تا/۲: ۵۶۲). قانون مجازات اسلامی هم این فرع را با کمی تغییر در ماده ۵۲۷ در مورد تصادم دو شخص و در ماده ۵۲۸ در مورد تصادم دو وسیله نقلیه مطرح کرده است. در فقه اهل سنت نیز این فرع در تمام کتب کلاسیک و جدید در بحث اشتراک در جنایت ذکر شده است (الهیتمی، بی تا/۹: ۱۸ به بعد؛ ابن حزم اندلسی، بی تا/۱۱: ۱۵۷ (فقه شافعی)؛ الکاسانی، ۷/۱۴۰۶: ۲۷۳ به بعد (فقه حنفی)؛ ابن قدامه، ۹/۱۳۸۸: ۱۹۱ به بعد (فقه حنبلی)؛ ابن رشد، ۱۴۳۶: ۷۱۲ (فقه مالکی)). قابل ذکر است که فقیهان حنفی به غیر از زفر و حنبلی و برخی از مالکیه معتقدند که در این فرض هر یک از متصادمین ضامن تمام دیه و خسارت دیگری هستند؛ چنان‌که سرخسی از فقیهان حنفی گفته است مبنای این نظر نوعی استحسان است؛ والا بر مبنای قیاس باید هر یک ضامن نصف خسارت و دیه دیگری باشد (السرخسی، ۲۶/۱۴۱۴: ۱۹۰ به بعد).

۱. وی در این زمینه نوشته است: «لو تصادم حران فماتا فلورثه کل واحد منهما نصف دیته ویسقط النصف، لاستناد موت کل منهما الی سببین، احدهما من فعله والاخر من غیره؛ فیسقط ماقابل فعله وهو النصف؛ و لو كانا فارسین بل مطلق الراکبین كان علی کل منهما مضافا الی الدیه، نصف قیمه فرس الاخر، ان تلفت بالتصادم».

در باب اشتراک چند نفر در جنایت به نحو مباشرت، یک فرع کلی هم در کتاب‌های فقهی مطرح شده؛ با این مضمون که هرگاه چند نفر (به عنوان مثال سه نفر) مشترکاً یک نفر را به قتل برسانند، همه آن‌ها به تساوی (به میزان یک‌سوم) ضامن‌اند و اولیای دم مختارند که یکی از آن‌ها را قصاص کنند و باقی جانیان به میزان سهم خود (یک‌سوم) باقی‌مانده دیه فرد قصاص‌شده (دوسوم) را به بازماندگان او بپردازند؛ یا با پرداخت باقی‌مانده سهم دیه هر سه نفر، همه آن‌ها را قصاص کنند (محقق حلی، ۱۳۸۷: ۴/۱۴۰۸؛ علامه حلی، ۱۳۸۳/۳: ۵۸۸؛ نجفی، ۱۴۰۴/۲: ۶۶؛ موسوی خمینی، بی‌تا/۲: ۵۱۶؛ منتظری، ۱۴۰۹/۲: ۵۰۶؛ حکیم، ۱۴۱۵/۳: ۲۷۹). این فرع در کتاب‌های اهل سنت هم مطرح و گفته شده است: «هرگاه جماعتی در قتل دیگری شرکت داشته باشند، همگی ضامن بوده و ضمان به نسبت تعداد مشترکان، بین آن‌ها تقسیم می‌شود ... مانند غرامت مال تلف شده؛ پس اگر دو نفر در قتل شرکت داشته و شرایط قصاص باشد ولی دم می‌تواند یکی از آن دو را قصاص کند و از دیگری نصف دیه او را بگیرد» (شیرازی، بی‌تا/۲: ۲۰۳). قابل ذکر است که فرع اشتراک چند نفر در جنایت در کتاب‌های فقهی به صورت مطلق بیان شده و شامل اشتراک به نحو مباشرت و تسبیب هر دو می‌شود، اما چون بارزترین مصداق آن، اشتراک به نحو مباشرت است، در این جا ذکر شد.

۲-۱-۱. اجتماع چند عامل به نحو تسبیب

ممکن است دو یا چند عامل به نحو تسبیب در وقوع زیان دخالت داشته باشند؛ مثل این که چند نفر مشترکاً با قصد یا در اثر سهل‌انگاری موجب نقص فنی در اتومبیلی شوند و در اثر آن، اتومبیل به دره سقوط کند و به سرنشینان آن زیان برسد؛ به گونه‌ای که عرفاً آن‌ها سبب تلف یا جنایت حاصله تلقی شوند. در مورد اجتماع چند سبب در وقوع زیان، یک فرع قدیمی در کتاب‌های کلاسیک فقهی وجود دارد که در کتاب‌های معاصر هم ذکر شده است؛ به این ترتیب که یک نفر در محلی چاله‌ای حفر کند و هم‌زمان دیگری در کنار آن سنگی قرار دهد و شخصی در اثر برخورد با سنگ، در چاله سقوط کرده، صدمه ببیند و زیان منتسب به هر دو آن‌ها باشد (علامه حلی، ۱۳۸۸: ۳۷۴؛ شهید ثانی، ۱۳۸۳/۱۲: ۱۶۴؛ مقدس اردبیلی، ۱۳۸۳/۱۳: ۴۰۲؛ عاملی، بی‌تا/۱۰: ۳۱۹-۳۲۰؛ نجفی، ۱۴۰۴/۳۷: ۵۶؛ خوئی، ۱۴۲۲/۲: ۳۲۲)؛ یا این

که چند نفر مشترکاً در محلی غیر مجاز چاله‌ای حفر کنند و رهگذری در آن سقوط کرده، صدمه ببیند. مثال دیگر آن است که چند نفر چیز لغزنده‌ای (روغن) را در محل عبور افراد بریزند و شخصی هنگام عبور از روی آن بلغزد و در اثر برخورد به زمین مصدوم شود.

۳-۱-۱. اجتماع سبب و مباشر

ممکن است چند عامل برخی به نحو مباشرت و برخی به نحو تسبیب در وقوع زیان دخالت داشته باشند. در فرض اجتماع سبب و مباشر، مشهور فقیهان معتقدند که تنها مباشر ضامن است؛ مگر آن که سبب اقوی باشد (نجفی، ۱۴۰۴/۳۷: ۵۴)؛ یعنی در فرضی که مباشر اقوی یا با سبب برابر باشد تنها مباشر ضامن است (نجفی، ۱۴۰۴/۴۲: ۱۴۵).^۲ مطابق این دیدگاه، امکان استناد هم‌زمان تلف به مباشر و سبب وجود ندارد؛ در تمام فروض، تلف مستند به یکی از آنهاست و اشتراک در زیان (تداخل اسباب) محقق نشده و بحث تقسیم مسئولیت هم مطرح نمی‌شود، اما حسب دیدگاهی که امکان استناد هم‌زمان تلف به مباشر و سبب را در برخی فروض (تساوی در قوت) محتمل دانسته (طباطبایی، ۱۴۱۸/۱۴: ۲۰ به بعد؛ مراغی، ۱۴۱۸/۲: ۴۳۵؛ خوئی، ۱۴۲۲/۴۲: ۳۲۲)، بحث تقسیم مسئولیت بین عاملان (سبب و مباشر) مطرح خواهد بود؛ مانند این که کسی به قصد ایراد صدمه به شخصی با هماهنگی دیگری چاهی حفر کند و دیگری او را در آن چاه بیندازد؛ یا کسی چاهی حفر کند و روی آن را بپوشاند و دیگری در اثر جهالت کسی را در آن بیفکند. در این فرض هم داستان با برخی از فقیهان، اگر زیان حاصله را منتسب به هر دو شخص دانسته، هر دوی آنها را سبب تلف تلقی نماییم، بحث تقسیم مسئولیت مطرح می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۸/۱۴: ۲۰؛ خوئی، ۱۴۲۲/۴۲: ۳۲۲؛ شاهرودی، ۱۴۲۳/۳: ۲۶۶). در فرض تحقق اشتراک بین سبب و مباشر نیز، مطابق نظر قاطع فقیهان، ضمان بین آنها به تساوی تقسیم می‌شود (همانجا). در هر یک از فروض فوق ممکن است زیان دیده خود یکی

۱. ایشان در این خصوص نوشته‌اند: «لما عرفته من تقدیم المباشرة علی التسیب الذی لم أجد فیه خلافاً بینهم، بل أرسلوه إرسال المسلمات فی المقام و فی القصاص و الدیات، بل عن كشف اللثام الإجماع علیه».

۲. وی تصریح کرده که در فرض تساوی سبب و مباشر، باز هم مباشر ضامن است: «إذا اتفق المباشرة والسبب وتساویا او كان المباشرة اقوی، ضمن المباشرة بلاخلاف اجده فیه بل فی كشف اللثام الاتفاق علیه».

از عاملان زیان بوده یا شخص ثالث باشد. همچنین ممکن است زیان حاصله، مالی یا جسمی و جانی باشد (رشتی، بی تا: ۲۴۶).

۲-۱. شرایط تحقق اشتراک در زیان

برای تحقق مشارکت در زیان کافی است زیان ایجاد شده عرفاً منتسب به هر یک از عاملان دخیل در حادثه باشد و تفاوتی نمی‌کند که عمل هر یک از آنها برای وقوع زیان کافی باشد یا زیان نتیجه عمل مشترک آنها باشد؛ به گونه‌ای که فعل هر یک از آنها برای تحقق زیان کفایت نکند. به عنوان مثال، گاهی دو نفر هر یک جراحی به شخصی وارد می‌کنند و این جراحی‌ها به گونه‌ای است که وقوع هر یک از آنها به تنهایی برای قتل شخص کافی است، اما ممکن است جراحی‌ها به گونه‌ای باشد که یکی به تنهایی برای وقوع قتل کافی نباشد، اما مجموع آنها با یکدیگر سبب قتل مصدوم شده باشند. از لحاظ تحقق اشتراک در زیان و نحوه تقسیم مسئولیت، تفاوتی بین این دو فرض وجود ندارد (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴/۱۸۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳/۵۸۸؛ فاضل هندی ۱۴۱۶/۱۱: ۲۸-۲۹؛ موسوی خمینی، بی تا/۲: ۵۱۷). از این که فقیهان بین فردی که یک جراحی به مقتول وارد کرده با فردی که چند جراحی وارد می‌کند، از لحاظ ضمان تمیز قائل نشده‌اند نیز، می‌توان این حکم را استنباط کرد (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴/۱۸۷).^۱ به نظر می‌رسد مبنای این دیدگاه عدم امکان تجزیه سبب باشد؛ یعنی سبب به لحاظ کمی قابل تجزیه نیست. کافی است فعل شخصی در ایجاد زیان دخالت داشته و عرفاً سبب تلقی شود، اما میزان دخالت و تأثیر آن نه قابل اندازه‌گیری است و نه اهمیت دارد.

۳-۱. نظریه تقسیم مسئولیت به تساوی؛ مبانی و ادله آن در فقه اسلامی

بر خلاف نظام‌های حقوقی غربی، از همان ابتدای تاریخ فقه، فقیهان اسلامی تنها یک معیار برای تقسیم مسئولیت بین عاملان زیان مطرح کرده‌اند و آن، «تقسیم به تساوی» بوده است. این نظریه از سوی متقدمان و متأخران و معاصران امامیه به اجماع پذیرفته شده است (مفید، ۱۴۱۳: ۷۴۴-۷۴۵؛ سیدمرتضی، ۱۴۱۷: ۳۹۳؛ طوسی، ۱۳۸۷/۷: ۱۶۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳/۳: ۵۸۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳/۱۵: ۳۶۴؛ نجفی،

۱. ایشان در مقام بیان شرایط تحقق اشتراک در جنایت گفته است: «ولایعتبر التساوی فی الجنایه، بل لو جرحه واحد جرحاً والاخر مائه جرح ثم سری الجمیع فالجنایه علیهما بالسویه ولو طلب الدیه کانت الدیه علیهما نصفین». برای ملاحظه تحلیل مشابه، بنگرید به: حسینی عاملی، بی تا/۱۰: ۳۳۳ - ۳۳۴.

۴/۱۴۰۴: ۶۳ و ۱۰۹؛ موسوی خمینی، بی تا/۲: ۵۱۷؛ خوئی، ۲/۱۴۲۲: ۲۸۳؛ حکیم، ۱۴۱۵: ۳/ ۲۷۹؛ سبزواری، ۲۸/۱۴۱۳: ۲۰۷). این نظریه مورد توافق تمام مذاهب مختلف فقه اهل سنت نیز می باشد (هیتمی، بی تا/۹: ۱۸ به بعد؛ ابن حزم اندلسی، بی تا/۱۱: ۱۵۷ (فقه شافعی)؛ ابن عابدین، ۶/۱۴۱۲: ۶۰۶ (فقه حنفی)؛ ابن قدامه، ۹/۱۳۸۸: ۹۱۱ به بعد (فقه حنبلی)؛ ابن رشد، ۱۴۳۶: ۷۱۲ (فقه مالکی). شهرت این نظر در فقه به حدی است که می توان آن را از مسلمات دانست؛ به گونه ای که غالب فقیهان به هنگام طرح آن، خود را بی نیاز از استدلال و توجیه دانسته اند (نجفی، ۴/۱۴۰۴: ۶۳).^۱ تنها عده ای نادر از فقیهان معاصر امامیه که به نظر می رسد تحت تأثیر نظریه های مطرح شده در حقوق موضوعه بوده اند، خلاف آن فتوا داده و معتقد به تقسیم مسئولیت بر مبنای میزان تأثیر یا درجه تقصیر شده اند که در حد فتوا بوده و در برابر اجماع فقیهان در خور توجه نیست (مکارم شیرازی، ۳/۱۴۲۷: ۳۸۳؛ موسوی اردبیلی، ۱۳۸۴: ۱۶).

۱-۳-۱. مبانی نظریه تقسیم مسئولیت به تساوی

به خلاف آن چه بین حقوق دانان و رویه قضایی شهرت یافته، علت طرح نظریه تساوی مسئولیت در فقه اسلامی، فقدان کارشناس و خبره جهت تعیین میزان تأثیر فعل هر یک از عاملان در وقوع زیان، در دوران نخستین فقه اسلامی نبوده است. همچنین این نظریه، مبتنی بر فرض برابری تأثیر فعل عاملان زیان به گونه ای که خلاف آن قابل اثبات باشد نیست. واقعیت آن است که ادله نقلی و مبانی عقلی، بنیاد گرایش فقیهان اسلامی به این نظر بوده است؛ به گونه ای که برخی تصریح کرده اند که قوت و ضعف اسباب و عوامل در این حکم بی تأثیر است (محقق حلی، ۴/۱۳۷۸: ۱۸۷؛ علامه حلی، ۳/۱۴۱۳: ۵۸۸؛ فاضل هندی، ۱۱/۱۴۱۶: ۲۹).^۲ یکی از فقیهان اهل

۱. تعبیر ایشان در این خصوص، این است: «بلا خلاف آنچه، بیننا، بل و لا إشکال». ۲. هندی در این خصوص نوشته است: «لا یعتبر التساوی فی عدد الجنایه بل لو جرحه واحد جرحاً و آخر مائه جرحه أو ضربه واحد سوطاً و آخر مائه، ثم سری الجمیع فالجنایه علیهما بالسویة». همچنین صاحب جواهر بعد از بیان نظریه تساوی ضمان، بیان داشته که قوت و ضعف اسباب بر این امر بی تأثیر است: «ولم ینظر إلی مقادیر المؤثر و تفاوت الأثر کالجراحه الواحده و الجراحات: نعم لو کانت إحدى الدابتین ضعیفه بحيث یقطع بأنه لا أثر لحرکتها مع قوه الدابه الأخری، فلا یناط بحرکتها حکم» (نجفی، ۴/۱۴۰۴: ۶۴)؛ سایر فقیهان نیز تصریح کرده اند که تفاوت قوت و ضعف عاملان زیان در حکم به تساوی ضمان بی تأثیر است (موسوی خمینی، بی تا/۲: ۵۱۷؛ ابن قدامه، ۸/۱۳۸۸: ۲۹۰).

سنت با بیان این مطلب که برای حکم به تساوی مسئولیت، لازم نیست میزان تأثیر اسباب دخیل در جنایت برابر باشد، این گونه استدلال کرده که اگر تساوی در تأثیر را شرط بدانیم، منجر به سقوط قصاص در فرض اشتراک در قتل می‌شود؛ زیرا این امر محال است که دو جراحت از هر جهت با هم برابر باشد (ابن قدامه، ۱/۱۳۸۸: ۸/۲۹۰).

فرع دیگری در یکی از کتاب‌های فقه اهل سنت وجود دارد که ثابت می‌کند پذیرش نظریه تساوی مسئولیت از سوی فقیهان به دلیل عدم امکان تعیین میزان تأثیر هر یک از عاملان زیان و همچنین مبتنی بر فرض تساوی تأثیر هر یک از عاملان مشترک نبوده است. مطابق این فرع «هرگاه شخصی سنگی را در محل غیر مجاز (راه عمومی) قرار دهد و دو نفر دیگر نیز مشترکاً سنگ دومی را در آن محل قرار دهند و عابری در اثر برخورد با هر دو سنگ به زمین افتاده و فوت شود، ضامن و مسئولیت به سه قسمت مساوی بین سه نفر تقسیم می‌شود؛ چون جانیان سه نفر هستند؛ این مورد همانند فرضی است که سه جراحت مختلف (توسط سه نفر) به مجنی‌علیه وارد شده و در اثر آن، فرد مجروح فوت شود. نظر دیگر آن است که ضامن باید به دو قسمت تقسیم شود؛ شخص اول ضامن نصف و دو شخص دیگر مشترکاً ضامن نصف دیگر باشند؛ چون جنایت و فعل زیان‌بار (گذاشتن سنگ) دو تاست» (شریبنی، بی تا/۴: ۸۸) این فرع عیناً در کتاب تفصیل الشریعه نقل شده است (لنکرانی، ۱۴۱۸: ۸۱).

این فروع نشان می‌دهد که فقیهان اسلامی از یک سو با نصوص شرعی و روایات معتبره دائر بر تقسیم مسئولیت به تساوی مواجه بوده‌اند و از سوی دیگر بر مبانی عقلی و فلسفی، به تجزیه سبب به لحاظ کمی اعتقادی نداشته‌اند و این امر دلیل شهرت نظریه تساوی مسئولیت در فقه اسلامی بوده است، اما در متون فقهی کمتر به مبانی و ادله آن اشاره شده و گویا فقیهان آن را یک امر مسلم فرض کرده و خود را از استدلال بی‌نیاز دانسته‌اند. بر این اساس باید مبانی و ادله آن را از لابلای فروع مختلف فقهی استخراج کرد.

۱. «الایعتبر فی وجوب القصاص علی المشترکین التساوی فی سببه؛ فلو جرحه رجل جرحاً والآخر مأثمه جرحه ... او احدهما جائعه والآخر غیر جائعه، فمات، کانا سواء فی القصاص والديه؛ لان اعتبار التساوی یفضی الی سقوط القصاص عن المشترکین، اذ لایکاد جرحان یتساویان من کل وجه».

۲-۳-۱. ادله نظریه تقسیم مسئولیت به تساوی در فقه اسلامی

ادله نظریه تساوی مسئولیت در فقه اسلامی متعدد است؛ در این زمینه اخبار زیادی وجود دارد؛ به علاوه اجماع فقیهان و توجیهاات عقلی هم در گرایش فقیهان به این نظر مؤثر بوده که به اختصار آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

الف. ادله نقلی (روایات)

در خصوص نظریه تقسیم مسئولیت به تساوی، در فقه اسلامی روایات متعددی وجود دارد. این روایات در قضایا و حوادث مختلف و در مقام بیان حکم قضیه و فصل خصومت از سوی معصوم (ع) بیان شده است. برخی از روایات شاخص را که در اکثر کتاب‌های فقهی مورد استناد قرار گرفته و به لحاظ حقوقی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است عبارت است از:

نخست، روایات راجع به اشتراک در جنایت به طور کلی: در فرضی که چند نفر در قتل یا جنایت وارد بر دیگری مشارکت دارند جنایت مستند به تمام آن‌هاست، چندین روایت وجود دارد. شهید ثانی بعد از نقل این فرع و بیان این که هر یک از شرکت کنندگان به طور مساوی ضامن هستند، دلیل آن را وجود روایات متعدد دانسته و به تحلیل آن‌ها می‌پردازد (شهید ثانی، ۱۵/۱۴۱۳: ۱۰۱). نخستین روایت، حدیث موسوم به صحیح حلبی است که در خصوص موردی که ده نفر در قتل شخصی شرکت دارند، از امام صادق (ع) نقل شده؛ به این مضمون که فرموده‌اند: «اولیای دم می‌توانند هر یک از آن‌ها را که بخواهند قصاص کنند و سایر شرکا هر کدام باید یک‌دهم دیه کامل را به اولیای دم فرد قصاص شده بپردازند» (کلینی، ۷/۱۴۰۷: ۲۸۳؛ طوسی، ۱۰/۱۴۰۷: ۲۱۸). دلالت این روایت بر نظریه تساوی مسئولیت، روشن و آشکار است و تنها در مورد دلالت بر جواز قصاص بیش از یک نفر تردید شده است (طباطبایی، ۱۶/۱۴۱۸: ۱۹۸). در صحت و اعتبار روایت به لحاظ سند هم، تردیدی وجود ندارد؛ زیرا علاوه بر این که این روایت در کتب معتبر روایی نقل شده، مشهور فقیهان امامیه در کتاب‌های خود به آن استناد کرده و بر مبنای آن فتوا داده‌اند (مقدس اردبیلی، ۱۳/۱۴۰۳: ۴۴۸؛ طباطبایی، ۱۶/۱۴۱۸: ۱۹۷؛ نجفی، ۴۲/۱۴۰۴: ۶۷-۶۸؛ خوئی، ۴۲/۱۴۲۲: ۲۸؛ سبزواری، ۲۸/۱۴۱۳: ۲۰۷؛ تبریزی، ۱۴۲۸: ۶۵). روایت دیگر نیز، منقول از امام صادق (ع) و موسوم به «ذریح» است، با این مضمون که «ذریح

گفته است از ابا عبدالله (ع) پرسیدم چه می‌فرمایی در مورد دو فرد که یکی جراحت موضعه^۱ و دیگری دامیه^۲ به شخص ثالث وارد کرده و او در اثر آن‌ها فوت کرده است؟ امام فرمودند: هر یک از آن دو به تساوی (نصف) ضامن هستند» (صدوق، ۱۳/۱۴۱۳: ۴؛ ۱۶۹؛ حرعاملی، ۲۹/۱۴۰۹: ۲۷۹).

دوم، روایه قارصه^۳: معروف‌ترین روایت در این خصوص، از امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در قضیه‌ای موسوم به «قارصه» است. این روایت را فقیهان امامیه و اهل سنت در کتب خود نقل کرده و به آن استناد کرده‌اند. در برخی از کتب غیر فقهی هم به عنوان عجائب قضاوت‌های امیر مؤمنان نقل شده است (امین عاملی، بی‌تا: ۴۰؛ شوشتری، ۸/۱۴۰۹: ۸۶؛ حسینی تهرانی، ۳/۱۳۸۳: ۱۷۶). آن گونه که از منابع فقهی و تاریخی بر می‌آید، امیرالمؤمنین علیه‌السلام به دستور پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و به عنوان نماینده او جهت تصدی مقام قضا به یمن عزیمت و به هنگامی که در آن جا اقامت داشته، این قضیه به عنوان دعوی نزد وی مطرح شده و ایشان در مقام قضاوت حکم صادر کرده‌اند. شرح ما وقع به نقل از کتاب «الاشارد» شیخ مفید از این قرار است که، سه دختر بچه با یکدیگر بازی می‌کردند؛ یکی بردوش دیگری سوار شده و از او سواری می‌گیرد. دختر بچه سوم از باب شیطنت پای دختر بچه‌ای را که سواری می‌دهد محکم نیشگون گرفته؛ به گونه‌ای که او در اثر دردی که در پای خود احساس می‌کند، از جا می‌جهد و دختری که سوار بر دوش اوست با سر به زمین سقوط و در اثر شکستگی گردن فوت می‌کند. امام علی (ع) در مقام دادرسی این گونه حکم می‌کنند که چون هر سه دختر در وقوع قتل مشارکت داشته‌اند و قتل مستند به همه آن‌هاست، هر یک به تساوی ضامن دیه مقتول هستند؛ بر این اساس دو نفر باقی‌مانده باید دوسوم دیه مقتول را به اولیای دم بپردازند و یک‌سوم باقی‌مانده دیه

۱. موضعه جراحی است که پوست و گوشت دریده و پوست روی استخوان هم کنار رفته، استخوان به وضوح نمایان می‌شود (گرچی، ۱۳۹۰: ۲۱۵).

۲. دامیه جراحی است که از پوست بگذرد و مقداری وارد گوشت شده، خون از آن جاری شود (همان: ۲۱۴).

۳. از این روایت به «قارصه»، «قامصه» و «واقصه» یاد می‌کنند؛ متن روایت این است: «فقیضی علیه السلام علی القارصه بثلث الذیبه و علی القامصه بثلثها وأسقط الثلث الباقي لركوب الواقصه عبثاً للقامصه (بروجردی، ۳۱/۱۴۲۹: ۴۷۶)؛ «قارصه» از «الْقَرَص» به معنای «نیشگون گرفتن» است (ازهری، بی‌تا: ۸/۲۸۴)؛ «قامصه» از «قَمَص» به معنای «جهیدن، از جا پریدن» و «بی قراری» است (همان: ۲۹۸) و «واقصه» از «وَقَص» به معنای «شکسته شدن گردن» است (ازهری، بی‌تا: ۹/۱۷۶).

سهم قربانی بوده و ضمان آن بر عهده خود اوست (مفید، ۱۴۱۳: ۱۹۶). چون این قضاوت به استحضار پیامبر اکرم (ص) رسید، آن را ابرام کرد و بدان خاطر امام علی (ع) را ستود (همان).

این حدیث در کتاب‌های روایی معتبر شیعه به دو روایت نقل شده است (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹/ ۲۹: ۲۴۰)؛ نخست همان روایتی است که از ارشاد مفید نقل شد (مفید، ۱۴۱۳: ۱۹۶؛ علامه مجلسی، ۱۰۱/۱۴۱۰: ۳۸۵؛ بروجردی، ۳۱/۱۴۲۹: ۴۷۶)؛ روایت دوم در کتاب تهذیب شیخ طوسی (طوسی، ۱۰/۱۴۰۷: ۲۴۱) و من لایحضره الفقیه شیخ صدوق نقل شده است (صدوق/۱۴۱۳: ۶۹) که بر مبنای آن، امام علی‌ه‌السلام دو دختر بچه باقی‌مانده را سبب قتل دانسته و آن‌ها را به تساوی ضامن کل دیه مقتول اعلام کرده است (طوسی، ۱۰/۱۴۰۷: ۲۴۱). به هر حال از لحاظ دلالت خبر بر نظریه «تقسیم مسئولیت به تساوی»، تفاوتی بین آن دو روایت وجود ندارد. فقیهان امامیه نیز برخی (حلبی، ۱۴۰۳: ۳۹۴؛ علامه حلی، ۹/۱۴۱۳: ۳۵۰ به بعد؛ عاملی، بی‌تا/۱۰: ۳۴۸-۳۴۹؛ طباطبایی، ۱۶/۱۴۱۸: ۳۸۸-۳۸۹) بر اساس روایت نخست و برخی (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۶۳؛ ابن ادریس حلی، ۳/۱۴۱۰: ۳۷۴؛ ابن براج، ۲/۱۴۰۶: ۴۹۹) بر مبنای روایت دوم فتوا داده‌اند. در کتاب‌های روایی معتبر اهل سنت نیز این روایت از امام علی‌ه‌السلام نقل شده است (ابن اثیر، بی‌تا/۴: ۱۰۸؛ آل‌الشیخ، ۱۴۱۷: ۱۶۰؛ بیهقی، ۸/۱۴۲۳: ۱۹۵) و فقیهان اهل سنت هم به عنوان یک روایت معتبر در کتاب‌های خود به آن استناد کرده و بر اساس آن، حکم به تساوی مسئولیت بین عاملان زیان داده‌اند (ابن قیم، بی‌تا/۳: ۲۵۷؛ ابن قدامه، ۸/۱۳۸۸: ۴۱۹؛ سرخسی، ۲۷/۱۴۱۴: ۱۶؛ سراج، ۱۴۱۴: ۱۸۹).

ب. ادله عقلی

صرف نظر از روایات موجود، فقیهان اسلامی برای اثبات نظریه تساوی مسئولیت عاملان زیان، استدلال عقلی هم مطرح کرده و تلاش کرده‌اند مدلول روایات را بر مبنای عقلی توجیه کنند. مهم‌ترین دلیلی که از سوی فقیهان برای اثبات این نظریه مطرح شده، آن است که زیان یا تلف ایجاد شده منتسب به تمام عوامل است؛ به این بیان که وقتی ثابت شده که تمام عوامل در وقوع زیان دخالت داشته‌اند و زیان منتسب به تمام آن‌ها است، باید آن‌ها به تساوی ضامن باشند. این استدلال بر این اندیشه

استوار است که «سبب» به لحاظ کمی غیر قابل تجزیه است؛ یعنی نمی توان میزان تأثیر یک سبب در ایجاد مسبب را به لحاظ کمی اندازه گرفت، یا اگر قابل اندازه هم باشد، تخمینی بوده و حجت نیست. این تحلیل به وضوح از متون فقهی کلاسیک (امامیه و اهل سنت) قابل استنباط است.

یکم. فقه امامیه

شیخ طوسی در المبسوط بعد از طرح فرع مربوط به تصادم دو سوار و بیان حکم آن دائر بر این که هر یک ضامن نصف دیه و خسارت وارد بر طرف مقابل است، در توجیه آن، این گونه استدلال کرده: «زیرا هر یک از آن دو در اثر فعل مشترک آن‌ها کشته شده است» (طوسی، ۷/۱۳۸۷: ۱۶۲).^۱ وی سپس در مورد تلف مرکب آن‌ها مقرر داشته «در صورت تلف دو اسب، هر یک ضامن نصف بهای مرکب طرف دیگر است» (همان‌جا). وی در ادامه در توجیه تقسیم ضامن به تساوی و این که تفاوت مرکب و نیز قوت و ضعف هر یک در این امر بی تأثیر است، نوشته است: «تفاوتی نمی کند که دو مرکب، اسب، قاطر یا الاغ باشد؛ یا یکی اسب و دیگری الاغ یا قاطر؛ همچنین تفاوتی نمی کند که یکی بر فیل سوار باشد و دیگری بر اسب یا شتر؛ زیرا هر دو سوار در وقوع جنایت مشارکت داشته اند، پس سهم آن‌ها از ضامن برابر است؛ چنان که اگر کسی به دیگری صد جراحت وارد کند و خود او یا ثالث نیز یک جراحت به او بزند و در اثر آن جراحات فوت کند، هر یک به میزان برابر ضامن دیه مقتول هستند» (همان‌جا). شهید ثانی از متأخران نیز بعد از حکم به تساوی مسئولیت بین عاملان زیان در تصادم دو سوار در اثبات آن، این گونه استدلال کرده است: «در تصادم دو راکب تفاوتی نمی کند که جنس و قوت دو مرکوب یکسان باشد، یا متفاوت؛ مثلاً یکی از آن‌ها شتر یا اسب باشد و دیگری قاطر یا الاغ؛ و تفاوتی نمی کند که قدرت حرکت آن‌ها یکسان باشد یا متفاوت؛ مثلاً یکی بدود یا آهسته برود و دیگری به عکس؛ همچنین تفاوتی نمی کند که دو مرکب از مقابل با یکدیگر تصادم کنند یا از پشت، یا یکی از پشت و دیگری از مقابل؛ زیرا کافی است که هر دو متحرک باشند؛ به گونه ای که تصادم و زیان [به لحاظ کیفی] به هر دو مستند باشد و مقدار تأثیر هر یک [به لحاظ کمی] در نظر گرفته نمی شود؛ مثل این که ایراد یک جراحت در کنار

۱. «لأن كل واحد منهما مات بفعل مشتركاه».

ده جراحت در تحقق قتل یک شخص مؤثر باشد. آری اگر حرکت یکی از مرکب‌ها بسیار ضعیف باشد و در مقابل، حرکت دیگری به قدری قوی باشد که عرف تصادم را منتسب به یکی از آن‌ها بداند، در این صورت آن مرکب ضعیف، سبب تلقی نشده و سوار آن هم ضمانی نخواهد بود» (شهید ثانی، ۱۵/۱۴۱۳: ۳۳۷). همچنین صاحب جواهر بعد نقل قولی از فاضل هندی دائر بر تقسیم مسئولیت بر مبنای میزان تأثیر، ضمن رد آن، در اثبات تساوی مسئولیت این گونه استدلال کرده: «ملاک، استناد تلف به هر دو عامل است؛ هر چند میزان هر یک متفاوت باشد؛ مانند این که شخصی یک ضربه زده باشد و دیگری صد ضربه» (نجفی، ۴۳/۱۴۰۴: ۱۴۸). از فقیهان معاصر نیز بعد از ذکر این فرع و بیان این که «در صورت قتل هر دو سوار، به اولیای دم هر کدام نصف دیه تعلق می‌گیرد و نصف دیگر ساقط است؛ چون آن مقدار منتسب به خود مقتول است»، می‌نویسد: «در این حکم تفاوتی نمی‌کند که دو فرد متصادم پیاده باشند یا سواره، یا یکی پیاده و دیگری سواره؛ و در صورت تلف مرکب، هر یک ضامن نصف بهای آن خواهد بود. تفاوتی نمی‌کند که جنس دو مرکب یکسان باشد یا مختلف و از لحاظ قوت و ضعف جسمی یا حرکتی برابر باشند یا متفاوت؛ مشروط بر آن که [عرفاً] تصادم صدق نماید. آری اگر یکی از دو سوار به لحاظ حرکتی آن قدر ضعیف باشد که عرفاً نتوان گفت او تصادم کرده، بلکه گفته شود که دیگری با او برخورد نموده است، انتساب حادثه به او منتفی بوده و تنها کسی که تصادم منتسب به اوست، ضامن خواهد بود. همچنین است اگر دو خودروی بزرگ و کوچک با هم تصادم کنند» (موسوی خمینی، بی تا/۲: ۵۶۲). همچنین در توجیه تقسیم مسئولیت به تساوی گفته شده است: «در این خصوص مخالفت آشکاری وجود ندارد و دلیل آن روشن است؛ زیرا در مورد اشتراک در قتل، دیه مقتول باید به نسبت فعل هر یک از عاملان جنایت تقسیم شود و طبیعتاً وقتی خود مقتول هم در جنایت مشارکت داشته است به آن نسبت از دیه او کسر می‌شود و مابقی بر عهده سایر عاملان قرار می‌گیرد» (خوئی، ۴۲/۱۴۲۲: ۳۰۱).

صریح‌ترین متن در این زمینه، مطلبی است که محقق حلی بیان کرده است. وی در کتاب «الرسائل السبع» در پاسخ به این سؤال که هرگاه چند نفر مشترکاً حیوان دیگری را تلف کنند آیا مالک به میزان تمام ثمن حق رجوع به هر یک را دارد یا

نصف آن، این گونه پاسخ داده: «هرگاه دو نفر مالی را تلف کنند، به طور مساوی ضامن هستند و مالک نمی‌تواند تمام قیمت مال تلف شده را از یکی از آن‌ها مطالبه نماید؛ همچنین او نمی‌تواند از یکی از آن‌ها بیش از دیگری مطالبه کند». وی سپس در توجیه این حکم، این گونه استدلال کرده: «چون اتلاف سبب ضمان است و آن دو مشترکاً آن را تلف کرده‌اند؛ پس در لازمه آن [که ضمان باشد] نیز برابر خواهند بود» (محقق حلی، ۱۴۱۳: ۳۰۶).

دوم. فقه اهل سنت

در فقه اهل سنت نیز مشابه استدلال فقیهان امامیه برای توجیه نظریه تساوی مسئولیت وجود دارد. النووی از فقیهان شافعی در مورد تصادم دو سوار یا دو شخص با بیان این که هر یک ضامن نصف دیه و زیان مالی وارد بر دیگری است و این که نظر مالک هم همین است، این گونه استدلال کرده است: «دلیل ما آن است که آن دو از جهت دخالت در ایجاد تصادم با هم برابر هستند؛ به این معنا که هر یک از آن‌ها در اثر فعل خود و دیگری هلاک شده است؛ پس از این جهت نصف دیه هر یک که منتسب به خود اوست ساقط می‌شود و نصف دیگر آن بر عهده طرف مقابل است ... حکم همین است؛ خواه تصادم در اثر غلبه و طغیان حیوان‌ها واقع شده باشد یا در اثر خطا یا عمد راکبان؛ همچنین تفاوتی نمی‌کند که حیوان‌ها از عقب با هم برخورد کنند یا از جلو و یا یکی از جلو و دیگری از عقب» (النووی، بی تا/۱۹: ۲۶-۲۷). وی در ادامه تصریح کرده که حکم تساوی در ضمان در فرضی که یکی از آن‌ها از دیگری قوی‌تر باشد نیز حاکم است؛ زیرا آن چه مسلم است، تصادم حاصل فعل هر دوی آن‌ها بوده است (همان‌جا). سرخسی از فقیهان منصف حنفی نیز بعد از طرح فرع مربوط به تصادم دو سوار، به تجزیه و تحلیل آن پرداخته و به‌رغم آن که خودش به تبعیت از ابوحنفیه و ابویوسف هر یک از آن‌ها را ضامن تمام خسارت وارد بر دیگری می‌داند، در نهایت اذعان می‌کند نظری که قائل به تقسیم خسارت به تساوی است، مطابق قیاس و ادله عقلی است. وی نوشته است: «هرگاه دو سوار تصادم کنند و هر دو کشته شوند، به نظر ما بر مبنای استحسان، عاقله هر یک ضامن تمام دیه طرف مقابل است؛ اما قیاس و دلیل عقلی اقتضا دارد که هر یک ضامن نصف دیه طرف مقابل باشد. نظر دوم موافق با نظر زفر و شافعی است» (سرخسی، ۱۴۱۴/۲۶: ۱۹۰)؛ وی

سپس در توجیه عقلی نظر شافعی این گونه استدلال کرده است: «مطابق قیاس بودن نظر آن‌ها از این جهت است که هر یک از آن‌ها در اثر فعل مشترک خود و مصاحبش هلاک شده‌اند؛ زیرا تصادم نتیجه فعل مشترک هر دوی آن‌هاست ... این فرض شبیه موردی است که شخصی به خودش جراحتی وارد کند و دیگری هم به او جراحت وارد نماید و در اثر آن جراحات فوت کند» (همان‌جا).

پ. اجماع

نظریه «تساوی مسئولیت» در فقه اسلامی مورد اجماع فقیهان است. صرف نظر از این که مراجعه به کتب فقهی اجماع فقیهان بر این نظر را به طور محصل ثابت می‌کند، عده‌ای از فقیهان اسلامی (مقدس اردبیلی، ۱۳/۱۴۰۳: ۴۴۸؛ طباطبایی، ۱۶/۱۴۱۸: ۱۹۷) به وجود اجماع در این خصوص تصریح کرده‌اند. البته با توجه به وجود روایات، این احتمال وجود دارد که اجماع حاصله مدرکی و مستند باشد و اعتبار آن به عنوان یک دلیل مستقل، منوط به حجت دانستن اجماع مدرکی است.^۱

۲. معیار تقسیم مسئولیت در حقوق موضوعه ایران و قانون مجازات

اسلامی

در حقوق موضوعه ایران متون مختلفی در خصوص معیار تقسیم مسئولیت وجود دارد.

۲-۱. پیشینه معیار تقسیم مسئولیت در قوانین موضوعه ایران

نخستین متن، ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ است. این ماده در موردی که چند کارگر در وقوع زیان دخالت دارند مقرر داشته: «... میزان مسئولیت آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک، از سوی دادگاه تعیین می‌شود». نویسندگان حقوقی از این ماده معیار تقسیم مسئولیت بر مبنای «میزان تأثیر» فعل هر یک از عاملان زیان را استنباط کرده‌اند (کاتوزیان، ۱/۱۳۷۴: ۴۱۷؛ صفایی، ۱۳۹۵: ۳۳۵).

متن دیگر ماده ۱۶۵ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳ است. بند الف این ماده در خصوص اشتراک چند سبب در ورود زیان به کشتی یا محموله آن، «درجه تقصیر» را معیار تقسیم مسئولیت قرار داده و این گونه مقرر داشته: «اگر دو یا چند کشتی مرتکب

۱. اجماع مدرکی یا مستند به اجماعی است که دلیل و مدرک اجماع کنندگان مشخص و معلوم باشد (بنگرید به: شاکری، ۱۳۹۵: ۲۷-۴۷).

خطا شوند، مسئولیت هر یک از کشتی‌ها متناسب با اهمیت تقصیری است که از آن کشتی سرزده است». در ادامه، مقرر شده که در صورت عدم امکان تشخیص درجه تقصیر یا تساوی تقصیر، مسئولیت به تساوی بین آنان تقسیم می‌شود. ماده ۱۶ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ نیز درجه تقصیر را معیار تقسیم مسئولیت بین عاملان زیان دانسته است. این ماده در مورد دخالت عوامل متعدد نظیر نقص راه یا نقص علائم رانندگی در وقوع حادثه، با پذیرش حق رجوع بیمه‌گر برای بازیافت خسارت به عاملان زیان، مقرر داشته است: «بیمه‌گر و صندوق ... می‌تواند برای بازیافت به نسبت درجه تقصیر که درصد آن در حکم دادگاه مشخص می‌شود به مسببان ذی‌ربط مراجعه کند».

این مواد نوعاً با اقتباس از نظام‌های حقوقی غربی وضع شده است، اما با تصویب قانون دیات در سال ۱۳۶۱ که بعداً با اصلاحاتی تحت عنوان قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۰ تصویب شد، قانون‌گذار با اتکا به نظام فقهی، نظریه تساوی مسئولیت را پذیرفت. مواد ۴۰ و ۴۱ قانون دیات ۱۳۶۱ در مقام تصادم دو خودرو یا دو سوار هر یک را ضامن نصف دیه زیان دیدگان دانسته بود. همچنین ماده ۷۲ قانون پیش‌گفته در مقام بیان حکم کلی اشتراک در جنایت، هر یک از شرکت‌کنندگان را به میزان مساوی ضامن جنایت حاصله اعلام کرده بود. این احکام در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ تکرار شد. ماد ۳۶۵ این قانون در مقام بیان حکم کلی اشتراک در جنایت مقرر داشته بود: «هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود». مواد ۳۳۴، ۳۳۵ و ۳۳۶ آن قانون نیز، در مورد تصادم دو شخص، دو سوار یا دو خودرو، از نظریه تساوی مسئولیت پیروی کرده و هر یک را ضامن نصف خسارات ایجاد شده می‌دانست.

۲-۲. موضع دکترین و رویه قضایی (تقسیم مسئولیت بر مبنای میزان

تأثیر)

به رغم پیشینه فوق، دکترین و رویه قضایی به تقسیم مسئولیت بر مبنای میزان تأثیر تمایل داشت و نظریه تساوی مسئولیت مذکور در قانون مجازات اسلامی مورد انتقاد شدید قرار گرفت؛ به این جهت که؛ نظریه تقسیم مسئولیت بر مبنای میزان تأثیر که از حقوق غرب وارد نظام حقوقی ما شده بود، ظاهری فریبنده و باطنی موجه داشت

و هر اندیشمندی را مجذوب خود می‌کرد؛ زیرا از نظر وجدانی، این که هر کس به میزان دخالتی که در وقوع زیان داشته، ضامن جبران زیان حاصله باشد، بسیار موجه و مقبول‌تر است تا این که همه عاملان به طور مساوی ضامن باشند (کاتوزیان، ۱/۱۳۷۴: ۴۱۷؛ صفایی، ۱۳۹۵: ۳۳۵)، اما رویه قضایی در این زمینه متشدد بود؛ محاکم بدوی نوعاً تحت تأثیر دکتترین و بدون توجه به نص قانون، پرونده را به کارشناس ارجاع می‌دادند و کارشناس سهم هر یک از عاملان زیان را که لزوماً برابر نبود، تعیین و دادگاه بر مبنای آن حکم صادر می‌کرد. رویه محاکم بر این بنیاد استوار بود که مواد قانون مجازات اسلامی که تساوی مسئولیت را مقرر داشته، مبتنی بر اماره تأثیر برابر عوامل دخیل در زیان بوده، اما خلاف آن قابل اثبات است؛ اگر ثابت شود که میزان تأثیر فعل هر یک از عوامل متفاوت بوده، به آن میزان مسئول خواهند بود و کارشناس معین می‌کند که میزان تأثیر هر یک از عوامل در وقوع زیان چقدر بوده است. به عنوان نمونه، در پرونده‌ای فرزند سرایدار یک موسسه تحقیقات دام‌پزشکی در کنار استخراج پرورش ماهیان موسسه مشغول بازی بوده و در اثر سقوط در استخراج فوت کرد. دادگاه مطابق نظر کارشناس، مدیر موسسه را به دلیل سهل‌انگاری در نصب حفاظ به میزان هفتاد درصد و والدین کودک را به میزان سی درصد ضامن دانست (دادنامه شماره ۱۵۷۲ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۳۰ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه جزایی شهرستان ری). این رأی عیناً در دادگاه تجدید نظر تأیید شد.

در دیوان عالی کشور هم رویه‌های مختلف حاکم بود؛ به عنوان مثال، شعبه پنجم در پرونده‌ای «نظریه تساوی مسئولیت» را در فرضی حاکم دانسته که امکان تعیین درجه تقصیر عاملان وجود نداشته باشد. در رأی شعبه آمده: «استناد به ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی وقتی صحیح است که امکان تعیین درصد تقصیر وجود نداشته و مستند محکومیت فقط استناد عمل به هر دو نفر باشد، ولی در مانحن فیه، کارشناس دقیقاً میزان تقصیر را استخراج و مشخص کرده است ...» (دادنامه شماره ۱۱۲۰ مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۸)؛ در مقابل شعبه بیست و هفتم دیوان عالی کشور ضمن پذیرش «تساوی مسئولیت» این‌گونه آورده است: «با عنایت به استفتاء امام خمینی در این زمینه که ... میزان، صدق استناد عرفی به هر دو طرف است (به هر نسبت و به هر کدام که باشد) دیه تنصیف می‌گردد و [مستنبط از] ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی

هم همین است» (دادنامه ۱۵۹ مورخ ۱۳۷۹/۵/۱۸). هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مقام ایجاد وحدت رویه، طی رأی شماره ۷۱۷ مورخ ۱۳۹۰/۲/۶ رأی شعبه ۲۷ را تأیید و محاکم بدوی را ملزم به پیروی از نظریه تساوی مسئولیت نمود و چنین مقرر داشت: «مستفاده از ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی هرگاه برخورد دو یا چند وسیله نقلیه منتهی به قتل سرنشین یا سرنشینان آن‌ها گردد، مسئولیت هر یک از رانندگان در صورت تقصیر به هر میزان که باشد به نحو تساوی خواهد بود؛ بنابراین رأی شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور که مطابق این نظر صادر شده، با اکثریت آرا موافق قانون تشخیص و تأیید می‌گردد». به رغم صدور رأی وحدت رویه پیش‌گفته، محاکم بدوی تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ صرفاً در مورد تصادم دو وسیله نقلیه از آن پیروی کرده و در سایر موارد، بر مبنای نظر کارشناس که میزان تأثیر هر کدام را معین می‌کند حکم صادر می‌کردند^۱ تا این که تصویب شد.

۲-۳. معیار تقسیم مسئولیت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

انتقادهای مطرح شده از سوی دکترین و اصرار رویه قضایی در پیروی از نظریه «تقسیم مسئولیت بر مبنای میزان تأثیر»، سبب عقب‌نشینی نسبی قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ شد، اما نتوانست به طور کامل خود را از مبان و سنت‌های فقهی رها و حکم واحدی در این مسأله وضع کند. بر این اساس نوعی تعارض بین مواد مختلف قانون مجازات اسلامی به وجود آمد. قانون‌گذار در مواد راجع به تصادم دو سوار یا دو وسیله نقلیه و نیز در باب اشتراک چند نفر در جنایت به‌طو کلی، از نظریه تساوی مسئولیت پیروی کرده، اما در یک ماده که راجع به اجتماع سبب و مباشرت، تقسیم مسئولیت بر مبنای میزان تأثیر را پذیرفته است. این مواد را جداگانه بررسی می‌کنیم.

۱-۳-۲. مواد مبتنی بر تساوی مسئولیت

در قانون مجازات اسلامی چند ماده وجود دارد که به صراحت حکم تساوی مسئولیت عاملان زیان کرده است. ماده ۴۵۳ در فصل مربوط به دیه و ناظر به فرض اشتراک چند نفر در جنایت به طور کلی، مقرر داشته: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو

۱. به عنوان نمونه می‌توان دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۴۱۰۱۴۵۷ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۴ صادره از شعبه ۴۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران را نام برد. مراجعه به آرای صادره از محاکم این حقیقت را ثابت می‌کند که محاکم چنان با نظریه تقسیم مسئولیت بر مبنای میزان تأثیر خو کرده‌اند که بی تأمل بر اساس نظر کارشناس و به میزانی که او معین کرده حکم صادر می‌کنند.

اشتراک، مرتکب جنایت موجب دیه گردند، حسب مورد هر یک از شرکا یا عاقله آنها به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است». مدلول این ماده در قوانین قبلی سابقه نداشت، در مورد تقسیم مسئولیت به تساوی روشن است و اطلاق آن تمام مصادیق اشتراک در جنایت (اجتماع موجبات ضمان) را شامل می‌شود و فروض «اجتماع چند مباشر»، «اجتماع چند سبب» و «اجتماع سبب و مباشر» را در بر می‌گیرد. با توجه به آن که قانون‌گذار در ماده ۵۲۶ حکم «اجتماع سبب و مباشر» را جداگانه بیان کرده، به نظر می‌رسد آن ماده مخصوص ماده ۴۵۳ در این مورد است. چنان‌که خواهیم دید، حکم «اجتماع چند مباشر» نیز با ماده ۵۲۷ خارج شده و بدین سان تنها حکم «اجتماع چند سبب» در قلمرو ماده ۴۵۳ باقی می‌ماند. البته حکم «اجتماع چند سبب» در ماده ۵۳۳ هم بیان شده و ماده ۴۵۳ از فقه اقتباس شده است.

ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی در مورد تضادم دو وسیله نقلیه بیان داشته است: «هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند، در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هر یک مسئول نصف دیه راننده طرف مقابل و سرنشینان دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند، هر یک از رانندگان مسئول یک‌سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می‌باشند و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر محاسبه می‌شود و هر گاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه‌ای که برخورد به او مستند باشد فقط او ضامن است». مدلول ماده از جهت نحوه تقسیم مسئولیت به تساوی روشن است و قلمرو آن، محدود به «اجتماع چند مباشر در ایجاد زیان» است؛ این ماده نیز عیناً از فقه اقتباس شده است.

ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی در مورد اشتراک چند عامل در جنایت به نحو تسبیب، با پیروی از نظریه تساوی مسئولیت مقرر داشته: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت، سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند». به نظر می‌رسد این ماده جایگزین ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ شده که در باب هشتم و تحت عنوان «در اجتماع سبب و مباشر یا چند سبب» قرار داشت، اما در قانون جدید این عنوان نیامده و ماده ۵۳۳ ذیل عنوان کلی «موجبات ضمان»

وضع شده است. از ظاهر این ماده بر می آید که در باب اشتراک چند عامل به نحو «تسبیب» است. از قرینه ماده ۳۶۵ سابق هم این استنباط را تقویت می شود. به نظر می رسد حکم این ماده عیناً تکرار حکم ماده ۴۵۳ قانون مجازات اسلامی است؛ با این تفاوت که قلمرو ماده ۴۵۳ عام تر از ماده ۵۳۳ است. اگر ماده ۵۳۳ را به اجتماع چند سبب محدود بدانیم، قلمرو ماده ۴۵۳ عام تر بوده و شامل «اجتماع چند سبب»، «چند مباشر» و «اجتماع سبب و مباشر» می شود، اما چنان که گفته شد، اگر ماده ۵۲۶ (در مورد اجتماع سبب و مباشر) و ماده ۵۲۷ (اجتماع چند مباشر) را مخصص ماده ۴۵۳ بدانیم، قلمروی آن به اجتماع چند سبب محدود بوده و در این صورت با ماده ۵۳۳ یکسان خواهد بود.

نکته درخور تأمل آن است که متن نخستین ماده ۵۳۳ همانند ماده ۵۲۶ تنظیم شده بود که فرض را بر تساوی مسئولیت گذاشته؛ مگر خلاف آن ثابت شود،^۱ اما این متن با ایراد شورای نگهبان مواجه شد و قسمت دوم آن حذف شد و به صورت فعلی درآمد.^۲ در حقیقت شورای نگهبان امکان اثبات خلاف «تساوی مسئولیت» و تقسیم بر مبنای «میزان تأثیر هر یک از اسباب» در فرض «اجتماع چند سبب» (ماده ۵۳۳) را خلاف شرع دانست؛ در حالی که در مورد «اجتماع سبب و مباشر» (ماده ۵۲۶) آن را خلاف شرع اعلام نکرد.

قانون گذار در مواد ۴۷۷ و ۴۷۸ و ۴۶۸ قانون مجازات اسلامی نیز از نظریه تساوی مسئولیت پیروی کرده است؛ اگر چه در این مواد به طور مستقیم بحث اشتراک در جنایت مرتبط مطرح نیست، اما تقسیم ضمان مطرح است. مواد ۴۷۷ و ۴۷۸ در مورد سبب مجمل است که با وجود شرایطی حکم به تقسیم مسئولیت به تساوی بین اسباب محتمل کرده است. ماده ۴۶۸ در خصوص مسئولیت عاقله است که مقرر داشته: «... همه کسانی که در زمان فوت می توانند ارث ببرند به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه می باشند».

۱. متن نخستین ماده ۵۳۳ (با عنوان ماده ۵۳۷) این گونه بود: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت، سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن خواهند بود، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول خواهند بود».

۲. در نامه مورخ ۱۳۸۹/۹/۱ شورای نگهبان آمده است: «قید عبارت «مگر تأثیر رفتار» خلاف موازین شرع شناخته شد» (بنگرید به: مصطفی زاده، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

۲-۳-۲. مواد مبتنی بر تقسیم مسئولیت بر مبنای میزان تأثیر

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ حکم جدیدی مقرر داشته که نوآوری محسوب می‌شود. ماده ۵۲۶ مقرر داشته است: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد فقط سبب ضامن است». روشن است که قلمروی این ماده، فرض «اجتماع سبب و مباشر» بوده و متضمن دو حکم متفاوت است که در قوانین گذشته سابقه نداشته است. در بند نخست ماده ۵۲۶ حکم تعیین سبب تلف (مسئول) در فرض «اجتماع سبب و مباشر» بیان شده است. بررسی تفصیلی این حکم از موضوع مقاله حاضر خارج است، اما به اختصار باید اشاره کرد که در قوانین قبلی راجع به مجازات اسلامی و نیز قانون مدنی در فرض «اجتماع سبب و مباشر» مقرر شده بود که مباشر ضامن است؛ مگر آن که سبب اقوی باشد (ماده ۳۳۲ قانون مدنی و ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰). مطابق مدلول این مواد، در فرض اجتماع سبب و مباشر، همیشه مباشر ضامن است؛ مگر آن که سبب اقوی از مباشر باشد که در آن صورت، سبب ضامن است؛ یعنی فرض ضمان مباشر و سبب با هم قابل تصور نیست. به عبارت دیگر، حتی در فرض تساوی قوت مباشر و سبب، باز هم مباشر ضامن است. این مواد بر مبنای نظر مشهور، بلکه اجماع فقیهان امامیه تنظیم شده بود. صاحب جواهر معتقد است در خصوص این حکم که در فرض اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن است مگر در صورت اقوی بودن سبب، مخالفی وجود ندارد. وی سپس از قول فاضل هندی نقل اجماع کرده است (نجفی، ۴/۱۴۰۴: ۱۴۵).^۱ در بین فقیهان امامیه تنها صاحب ریاض احتمال استناد هم‌زمان تلف به مباشر و سبب در فرض تساوی در قوت را مطرح کرده است، اما او هم در نهایت مرعوب اجماع فقیهان شده و اظهار داشته اگر اجماعی در این خصوص وجود نمی‌داشت، اشتراک مباشر و سبب در ضمان به طور مطلق (حتی

۱. «إذا اتفق المباشر و السبب و تساویا او كان المباشر اقوی، ضمن المباشر بلاخلاف اجده فیه، بل فی كشف اللثام الاتفاق علیه».

در فرض اقوی بودن یکی از دیگری) ترجیح داشت (طباطبایی، ۱۴۱۸/۱۴: ۲۰)،^۱ اما ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اماره انتساب تلف به مباشر در فرض اجتماع با سبب را از بین برده و مقرر داشته است در این فرض باید بررسی شود که عرفاً زیان منتسب به مباشر یا سبب و یا هر دوی آنهاست. بدین سان این ماده امکان اثبات انتساب هم‌زمان تلف به مباشر و سبب را پذیرفته و مقرر داشته در این صورت مشترکاً ضامن هستند و به تبع آن، بحث تقسیم مسئولیت بین آنها مطرح می‌شود. این حکم مخالف نظر مشهور فقیهان امامیه، بلکه اجماع آنان است و روشن نیست که چگونه از سوی شورای نگهبان تأیید شده است.

بند دوم ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی در باب تقسیم مسئولیت نیز، حکم جدیدی مطرح کرده و مقرر داشته است: «... چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند...». این ماده امکان اثبات خلاف «تساوی مسئولیت» بر مبنای تعیین میزان تأثیر هر یک از عوامل زیان را مقرر داشته که نوآوری محسوب می‌شود. مدلول ماده آن است که تقسیم به تساوی مبتنی بر اماره برابری تأثیر هر یک از عوامل در اتلاف است و امکان اثبات خلاف آن وجود دارد. حکم این قسمت ماده، تأیید دیدگاهی است که قبلاً در رویه قضایی وجود داشت^۲ و فاقد پیشینه در فقه و مخالف نظر مشهور، بلکه اجماع فقیهان اسلامی است که بین صور مختلف اشتراک در زیان تفاوت نگذاشته و نظریه تساوی مسئولیت در تمام صور اجتماع چند عامل در وقوع جنایت و زیان است. حکم این ماده با مواد دیگر قانون مجازات اسلامی هم در تعارض بوده و فاقد توجیه منطقی و عقلی است و تأیید این ماده از سوی شورای نگهبان محل تأمل است؛ با این توضیح که، در متن نخستین ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی راجع به اشتراک و اجتماع چند عامل

۱. «فلولا الإجماع الظاهر المعتضد بالأصل، لكان القول بضمانهما كترتب الأیدی فی الغصب فی غایه الحسن»؛ ایشان در اثبات دیدگاه خود و این که قوت یکی از اسباب نباید سبب نفی ضمان دیگری شود، می‌نویسد: «فإن القوة لا تدفع الضمان عن السبب بعد وجود ما يقتضی ضمانه أيضاً و هو ما مر من حدیث نفی الضرر و لا امتناع فی الحكم بضمانهما معا و تخیر المالك فی الرجوع إلی أيهما شاء كالغصب» (همان‌جا).

۲. برای مطالعه استدلال مشابه، بنگرید به: دادنامه شماره ۱۱۲۰ مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۸، صادره از شعبه پنجم دیوان عالی کشور.

به نحو تسبیب، همین قید وجود داشت و شورای نگهبان آن را خلاف شرع اعلام کرد.

ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی در حکمی نسبتاً مشابه با حکم ماده قبل، در فرض «اجتماع دو مباشر» در وقوع تلف مقرر داشته است: «هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آن‌ها مساوی باشد، در مورد جنایت شبه‌عمد، نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد جنایت خطای محض، نصف دیه هر کدام به وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آن‌ها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب نصف دیه را باید به مجنی‌علیه یا اولیای دم او پردازد». این ماده اماره تساوی در ضمان که در ماده قبل مقرر شده بود را بیان نکرده، بلکه تساوی مسئولیت را مشروط به اثبات برابری میزان تأثیر هر یک از عاملان تلف دانسته است؛ یعنی بدون ایجاد اماره برابری تأثیر عوامل و در نتیجه تساوی در ضمان، مقرر شده که اگر ثابت شود میزان تأثیر هر یک از عوامل برابر بوده، به طور مساوی ضامن هستند که مفهوم مخالف آن، این است که اگر ثابت شود میزان تأثیر هر یک متفاوت است هر یک به میزان تأثیر ضامن خواهند بود. این ماده در فرض اجتماع دو مباشر به طور مطلق نظریه تساوی مسئولیت را کنار نهاده که از این جهت مخالف نظر مشهور فقیهان و حکم ماده ۴۵۳ قانون مجازات اسلامی است. در صورتی که این ماده را مخصص ماده ۴۵۳ بدانیم، دیگر موضوعی برای آن ماده باقی نخواهد ماند؛ زیرا با وجود ماده ۵۲۶ فرض «اجتماع سبب و مباشر» از آن خارج شده و ماده ۵۳۳ هم که حکم «اجتماع چند سبب» را خارج کرده؛ اگر فرض اجتماع «چند مباشر» هم با ماده ۵۲۷ خارج شود، موضوعی برای ماده ۴۵۳ باقی نمی‌ماند؛ به علاوه، حکم ماده ۵۲۷ در مورد تصادم دو نفر در تضاد آشکار با حکم ماده ۵۲۸ در مورد تصادم دو سوار یا دو اتومبیل است؛ مگر آن که حکم ماده ۵۲۸ را از مصادیق اجتماع چند سبب بدانیم.

لازم است قانون‌گذار در موضوع واحد (تقسیم مسئولیت) از حکم یکسان پیروی کند. در حال حاضر لاجرم باید حکم هر ماده را منحصر در موضوع آن اجرا کرد. به عنوان مثال، ماده ۵۲۷ را در مورد تصادم دو نفر و ماده ۵۲۸ را در مورد تصادم دو سوار یا دو وسیله نقلیه و حکم ماده ۴۵۳ را در مورد اشتراک در جنایت خارج از مورد تصادم، مجرا دانست.

برآمد

۱- در فرض اشتراک چند عامل در ایجاد تلف یا زیان، فقیهان اسلامی از گذشته نظریه تقسیم مسئولیت به تساوی را در تمام فروض مختلف اشتراک در زیان پذیرفته‌اند. علاوه بر وجود روایات متعدد، این نظریه بر مبنای عقلی استوار است. شهرت این دیدگاه بر بنیاد دلایل غیر قابل انکار در متون شرعی استوار بوده و ناشی از نبود کارشناس برای تعیین میزان تأثیر هر یک از عوامل در وقوع زیان نبوده است. به لحاظ عقلی، مبنای این نظر در غیر قابل تجزیه بودن «سبب» قرار دارد؛ اندیشه آدمی تا آن جا راه دارد که اثبات کند چه عامل یا عواملی در ایجاد تلف مؤثر بوده، اما اثبات کمیت و مقدار آن جز بر مبنای تخمین، استحسان یا انصاف ممکن نیست و این امر موجب سلیقه‌ای شدن قضاوت و به نوعی، اجتهاد به رأی می‌شود. غیر قابل تجزیه بودن سبب، در حقوق جدید هم مورد توجه اندیشمندان حقوقی قرار گرفته است و پس از طرح نظریه‌های جدید تقسیم مسئولیت بر مبنای «درجه تقصیر» یا «میزان تأثیر» هر عامل در وقوع زیان که از قرن هجدهم رواج پیدا کرد، از نیمه دوم قرن بیستم، نظریه تقسیم بر مبنای عدالت و انصاف و به تشخیص دادگاه حاکم شد؛ نتیجه‌ای که در فقه اسلامی به‌ویژه مذهب امامیه قابل قبول نیست. به این دلیل، از همان ابتدای تاریخ فقه، نظریه «تقسیم مسئولیت به تساوی» بین عاملان زیان مطرح و مورد پیروی قرار گرفت که عدالت نوعی است و راه هر نوع اعمال سلیقه و استحسان در دادرسی را مسدود می‌کند.

۲- نظریه تقسیم مسئولیت به طور مساوی از زمان تصویب قانون دیات در سال ۱۳۶۱ به تبعیت از فقه اسلامی وارد نظام حقوقی ایران شد و سپس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در فروض تداخل اسباب مورد پذیرش قرار گرفت، اما رویه قضایی از همان ابتدا با این دیدگاه سر ناسازگاری داشت و به‌رغم تأکید دیوان عالی کشور و نص قانون، مراجع قضایی با جلب نظر کارشناس و بر مبنای میزان دخالت در وقوع زیان، سهم هر یک از عاملان از مسئولیت را معین می‌کردند؛ امری که سبب سيطرة کارشناسی بر قضاوت شده و نقش اصلی در حل و فصل دعاوی مسئولیت مدنی را از آن کارشناسان کرده است. آن‌ها بدون استدلال و صرفاً بر مبنای سلیقه یا به طور ذوقی، سهم هر یک از عاملان را تعیین می‌کنند. به این دلیل گاه بین

نظر یک کارشناس با کارشناس دیگر تفاوت فاحش دیده می‌شود. دادرس هم ناگزیر از پیروی از آن است و اگر اعتراضی هم وجود داشته باشد، نهایت کاری که انجام می‌شود، ارجاع امر به کارشناس دیگر است.

۳- فشار رویه قضایی که تا حدودی حمایت دکترین را نیز به همراه داشت، سبب شد که قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ برخلاف اجماع فقیهان، در مورد اجتماع سبب و مباشر و تصادم دو نفر، با وضع مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی، امکان تقسیم مسئولیت بر مبنای میزان تأثیر در وقوع زیان را بپذیرد. با این وصف در مواد دیگر و در فروض دیگر اجتماع و تداخل اسباب، به نظریه تساوی مسئولیت وفادار مانده و در مواد ۴۵۳، ۵۲۸ و ۵۳۳ تقسیم مسئولیت به تساوی را مقرر داشته است.

۴- تا اصلاح مواد فوق از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، باید این مواد را به گونه‌ای منطبق با فقه تفسیر کرد؛ با توجه به این که مطابق ماده ۵۲۶ تقسیم مسئولیت به میزان تأثیر هر یک از عاملان زیان (سبب و مباشر) فرع بر اثبات استناد تلف به مباشر و سبب به طور هم‌زمان است، می‌توان گفت که این فرض هیچ‌گاه محقق نمی‌شود و در عمل، تلف یا تنها منتسب به «مباشر» است یا «سبب» و بدین ترتیب، حکم این ماده را توجیه کرد. همچنین در تفسیر ماده ۵۲۷ که به ظاهر تقسیم مسئولیت به تساوی بین عاملان زیان، مشروط به اثبات تساوی تأثیر هر یک آن‌ها در تلف شده است، باید بر آن بود که این ماده مفهوم مخالف ندارد یا مفهوم مخالف آن حجت نیست؛ به این معنا که نمی‌توان ثابت کرد که میزان تأثیر هر یک در زیان مساوی نبوده و بر فرض امکان اثبات، حکم آن تغییر نکرده و عاملان همچنان به تساوی ضامن‌اند.

فهرست منابع

الف. فارسی

* شاکری، بلال (۱۳۹۵)، «بازخوانی حجیت اجماع مدرکی»، فقه و اصول، سال ۴۸، شماره ۱۰۶.

* صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌اله (۱۳۹۵)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ نهم، تهران: سمت.

* کاتوزیان، امیر ناصر (۱۳۷۴)، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، جلد نخست، چاپ نخست، تهران: دانشگاه تهران.

* کاظمی، محمود (بهار ۱۳۹۳)، «معیار تقسیم مسئولیت میان عاملان زیان در نظام کامن‌لا و حقوق کشورهای رومی-ژرمنی»، فصل‌نامه حقوق، دوره ۴۴، شماره ۱.

* گرجی، ابوالقاسم (۱۳۹۰)، دیات، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.

* مصطفی‌زاده، فهیم (۱۳۹۲)، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در پرتو نظرات شورای نگهبان، چاپ نخست، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.

ب. عربی

* آبی، حسن بن ابی طالب یوسفی (۱۴۱۷ق)، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، جلد دوم، چاپ سوم، قم: موسسه انتشارات اسلامی.

* آل‌الشیخ، صالح بن محمد بن عبدالعزیز (۱۴۱۷ق)، التکمیل لما فات تخریجه من ارواء الغلیل، چاپ نخست، ریاض: دارالعاصمه.

* ابن اثیر، الامام مجدالدین ابی السعادات المبارک بن محمد الجزری (بی‌تا)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، تحقیق: محمد محمود الطناحی، جلد چهارم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

* ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، جلد سوم، چاپ دوم، قم: موسسه انتشارات اسلامی.

* ابن براج، قاضی عبدالعزیز طرابلسی (۱۴۰۶ق)، المهدب، جلد دوم، چاپ نخست، قم: موسسه انتشارات اسلامی.

* ابن قدامه، ابو محمد موفق‌الدین عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامه (۱۳۸۸ق)، المغنی لابن قدامه، جلد نهم، چاپ نخست، قاهره: مکتبه القاهره.

- * ابن رشد، محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن رشد القرطبی (۱۴۳۶ق)، **بدایه المجتهد ونهایه المقتصد**، چاپ نخست، قاهره: مکتبه الشروق الدولیه.
- * ابن قیم جوزی، ابی عبدالله محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد بن حرز (بی تا)، **تعلیق: ابو عبیده مشهور بن حسن آل سلیمان**، جلد سوم، ریاض: دار ابن جوزی.
- * ابن عابدین، محمد امین بن عمر بن عبدالعزیز دمشقی (۱۴۱۲ق)، **رد المختار علی الدرالمختار**، جلد ششم، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر.
- * بیهقی، ابی بکر احمد بن الحسین بن علی (۱۴۲۳ق)، **السنن الکبری**، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، جلد هشتم، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- * ازهری، محمد بن احمد (بی تا)، **تهذیب اللغه**، جلد هشتم، چاپ نخست، بیروت: دار احیا التراث العربی.
- * سرخسی، محمد بن احمد بن ابی سهل (۱۴۱۴ق)، **المبسوط**، جلد بیست و ششم، بیروت: دارالمعرفه.
- * شریینی، محمد بن احمد (بی تا)، **مغنی المحتاج**، جلد چهارم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- * شیرازی، ابواسحاق ابراهیم بن علی بن یوسف (بی تا)، **المهذب فی فقه الامام الشافعی**، چاپ نخست، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- * امین عاملی، سید محسن (بی تا)، **عجائب احکام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع)**، تحققی: فارس حصون کریم، بیروت: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامی.
- * نووی، ابوزکریا محی الدین یحیی بن شرف (بی تا)، **المجموع شرح المهذب**، جلد نوزدهم، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر.
- * هیتمی، احمد بن علی بن حجر (بی تا)، **تحفه المحتاج فی شرح المنهاج**، جلد نهم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- * موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا)، **تحریر الوسيله**، جلد دوم، چاپ نخست، قم: مؤسسه دارالعلم.
- * اندلسی، ابن حزم (بی تا)، **المحلی بالآثار**، جلد یازدهم، بیروت: دارالفکر.
- * بروجردی، سید حسین طباطبایی (۱۴۲۹ق)، **جامع أحادیث الشیعه**، جلد سی و یکم، چاپ نخست، تهران: فرهنگ سبز.

- * تبریزی، شیخ جواد (۱۴۲۸ق)، **تنقیح مبانی الأحكام** - كتاب الديات، چاپ نخست، قم: دار الصديقه الشهيده (س).
- * جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳ق)، **موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت (ع)**، زیر نظر: سید محمود هاشمی شاهرودی، جلد سوم، چاپ نخست، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
- * حسینی تهرانی، سید محمدحسین (۱۳۸۳)، **امام شناسی**، جلد سوم، چاپ نخست، مشهد: علامه طباطبایی.
- * حسینی عاملی، سید محمدجواد بن محمد (بی تا)، **مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه**، جلد دهم، چاپ نخست، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- * حلبی، ابوالصلاح، تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳ق)، **الكافی فی الفقه**، چاپ نخست، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین (ع).
- * حکیم، سید محمدسعید طباطبایی (۱۴۱۵ق)، **منهاج الصالحین**، جلد سوم، چاپ نخست، بیروت: دار الصفوه.
- * حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه حلّی) (۱۴۱۳ق)، **قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام**، جلد سوم، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- * حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ق)، **مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه**، جلد نهم، چاپ دوم، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- * حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن (محقق حلّی) (۱۴۰۸ق)، **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، جلد چهارم، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- * خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق)، **مبانی تکمله المنهاج - موسوعه الامام الخوئی**، جلد چهل و دوم، چاپ نخست، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
- * سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، **مهذب الاحكام**، جلد بیست و هشتم، چاپ چهارم، بیروت: مؤسسه المنار.
- * سراج، محمداحمد (۱۴۱۴ق)، **ضمان العدوان فی الفقه الاسلامی**، چاپ نخست، بیروت: مؤسسه الجامعیه للدراسات والنشر و التوزیع.
- * سیوری حلّی، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴ق)، **التنقیح الرائع لمختصر الشرائع**، جلد چهارم، چاپ نخست، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

- * شوشتری، سیدنورالله حسینی مرعشی (۱۴۰۹ق)، احقاق الحق و ازهاق الباطل، تعلیق: سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، جلد هشتم، چاپ نخست، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- * شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه صدوق قمی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، جلد چهارم، چاپ دوم، قم: موسسه انتشارات اسلامی.
- * طباطبایی، سید علی (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، جلد شانزدهم، چاپ نخست، قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
- * طوسی، ابوجعفر محمد بن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیه، جلد هفتم، چاپ سوم، تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.
- * طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العربی.
- * طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، جلد دهم، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- * عاملی، زین‌الدین بن علی بن احمد (شهید ثانی) (بی‌تا)، الروضه البهیة فی شرح لمعه دمشقیه، جلد دوم (دوجلدی)، بی‌جا، بی‌نا.
- * عاملی، زین‌الدین بن علی بن احمد (۱۴۱۳ق)، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، جلد پانزدهم، چاپ نخست، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- * عاملی، محمد بن حسن (حر عاملی) (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، جلد بیست و نهم، چاپ نخست، قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
- * علم‌الهدی، سید مرتضی علی بن حسین موسوی شریف (۱۴۱۷ق)، المسائل الناصریات، چاپ نخست، تهران: رابطه الثقافه و العلاقات الإسلامیه.
- * فاضل لنکرانی، محمد موحدی (۱۴۱۸ق)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - الدیات، چاپ نخست، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- * فاضل هندی، محمد بن حسن هندی اصفهانی (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، جلد یازدهم، چاپ نخست، قم: موسسه انتشارات اسلامی.
- * الکاسانی، ابوبکر مسعود بن احمد (۱۴۰۶ق)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، جلد هفتم، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- * کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، جلد هفتم، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- * مجلسی، محمدباقر (علامه مجلسی) (۱۴۱۰ق)، **بحار الأنوار**، جلد یکصد و یکم، چاپ نخست، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
- * محقق رشتی، میرزا حبیب الله (بی تا)، **کتاب الغصب**، بی جا، بی نا.
- * مدنی کاشانی، رضا (۱۴۰۸ق)، **کتاب الديات**، چاپ نخست، قم: موسسه انتشارات اسلامی.
- * حسینی مراغی، میرفتاح (۱۴۱۸ق)، **العناوین الفقهيہ**، جلد دوم، چاپ نخست، قم: موسسه انتشارات اسلامی.
- * مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید) (۱۴۱۳ق)، **المفنعہ**، چاپ نخست، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- * مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (۱۴۱۳ق)، **الارشاد فی معرفه الجج علی العباد**، مصحح: موسسه آل البيت (ع)، چاپ نخست، قم: کنگره شیخ مفید.
- * مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، **مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**، جلد چهاردهم، چاپ نخست، قم: موسسه انتشارات اسلامی.
- * مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۷ق)، **الفتاوی الجديده**، جلد سوم، چاپ دوم، قم: مدرسه امام علی (ع).
- * منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۴۰۹ق)، **دراسات فی ولايه الفقيه و فقه الدوله الإسلامیه**، جلد دوم، چاپ دوم، قم: تفکر.
- * نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، جلدهای چهل و دوم و چهل و سوم، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- پ. انگلیسی و فرانسوی**

- * Dobbs, Dan, B.(2002), **The Law of Tort**, West Group, U.S.A.
- * Quézel-Ambrunaz, Christophe (2010), **Essai sur la causalité en droit de la responsabilité civile**, 1er edition, Daloz, Paris.
- * Jourdain, p.(2010) **Droit à réparation-lien causalité- pluralité des causes dommages, Juris classeur, responsabilité civil , preface de**

Philippe Baru, Dalloz, Paris.

* W.V.H., Rogers (2002), **Winfield and Jolowicz on Tort Law**, 16th edit., Sweet& Maxwell, London.